خبر

تشدید اعتراضات مخالفان دولت در ارمنستان

تجمعات اعتراضی مخالفان دولت ارمنستان که از چند روز قبل در این کشور آغاز شده، شدت یافته و معترضان در سراسر این کشور خواستار استعفای نیکول پاشینیان شده‌اند. عمده اعتراض مخالفان دولت مربوط به نحوه مذاکره دولت ارمنستان با باکو در مساله قره‌باغ است و معترضان بر این باورند که اقدامات دولت برای این کشور و قره‌باغ کوهستانی مخرب است.

جنگ بر سر منطقه قره‌باغ کوهستانی در نهم نوامبر ۲۰۲۰ (۱۹ آبان ۱۳۹۹) با توافق آتش‌بس پایان یافت. با این حال، این دو کشور همچنان در نقاط مرزی باهم مشکل دارند و طرفین اغلب همدیگر را به نقض آتش‌بس متهم می‌کنند. اعتراضات علیه پاشینیان پس از آن افزایش یافت که وی چندی قبل در پارلمان این کشور گفت: «جامعه بین‌المللی خواهان آن است که ایروان انتظاراتش را درباره وضعیت قره‌باغ پایین بیاورد.» وی گفته بود: «اگر ارمنستان تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ را به رسمیت نشناسد، برایش خطرناک خواهد بود و ایروان از هیچ حمایت خارجی در جنگ احتمالی برخوردار نخواهد بود.»
این اظهارات پاشینیان، شائبه تسلیم شدن ایروان در مقابل باکو را در اذهان مخالفان، تشدید کرد.

نسخه‌هایی که فقط اوضاع اقتصادی جهان را بدتر می‌کند

ناقوس مرگ در داووس

سعید سبحانی
بخش بین‌الملل

برگزاری سالانه اجلاس داووس در کشور سوئیس، فرصتی برای کشورها و تئوریسین‌های اقتصادی مطرح جهان است تا ایده‌های خود را در قبال عبور از بحران‌های مشترک بین‌المللی و تقویت شاخصه رشد اقتصادی کشورها ارائه دهند. با این حال، میان این هدف اعلامی و واقعیات جاری در این نشست، تناقضات معناداری وجود دارد. اجلاس داووس طی سال‌های گذشته به کانونی برای ارائه استدلال‌های یکطرفه و غیرعملیاتی کشورهای غربی در مواجهه با نظم تجاری و اقتصادی جاری در جهان تبدیل شده است.

معترضان ضد نظام سرمایه‌داری همانند سال‌های گذشته در اعتراض به برگزاری اجلاس سالانه مجمع جهانی اقتصادی موسوم به داووس، در آستانه برگزاری این اجلاس در تفرجگاه آلپاین داووس در سوئیس تظاهرات برپا کردند که مانند سال‌های گذشته از سوی پلیس به خشونت کشیده شد. از دید پلیس سوئیس، اعتراض‌ها علیه نظام سرمایه‌داری و اجلاس اقتصادی در داووس یک رویداد مرسوم غیرقانونی است که با عنوان «درهم شکستن مجمع اقتصادی جهان» هرساله قبل از گردهمایی نخبگان سیاسی و اقتصادی جهان در فاصله ۱۲۰ کیلومتری با قطب مالی سوئیس برگزار می‌شود.
طبق گزارش رسانه‌ها، نیروهای پلیس شهر زوریخ با استفاده از اسپری فلفل و گلوله‌های پلاستیکی تلاش کردند جمعیت معترضان را متفرق کنند. یکی از گروه‌های معترض با دعوت از مردم برای شرکت در اعتراض علیه نظام سرمایه‌داری در وبسایت خود نوشت: «مجمع اقتصادی جهان و سوئیس می‌کوشند تا به قدرتمندان این جهان، سرزمینی آرام ارائه دهند تا بتوانند تبادل نظر کنند و بدون مزاحمت خود را به عرضه نمایش بگذارند. لازم است که آرامش را در سرزمین آنها برهم زد و علیه عملکرد نظام سرمایه‌داری اقدام کرد».

چرا راهکارهای اقتصادی غرب کارگشا نیست

واقعیت این است که در ادوار گوناگون برگزاری اجلاس داووس، موضوعات متعددی در خصوص وقوع و تشدید بحران‌های اقتصادی و تجاری در جهان مورد طرح و بررسی قرار گرفته است اما سران کشورهای غربی در این اجلاس و نشست‌های مشابه (مانند آنچه در گروه ۷ و گروه ۲۰ به صورت سالانه برگزار می‌شود) نتوانسته‌اند بر سر مواجهه با بحران‌های مزمن اقتصادی موجود در کشورشان به یک راهکار جمعی و قابل اتکا برسند. هم اکنون سال‌ها از وقوع بحران اقتصادی در آمریکا و اروپا سپری شده و سیاست‌های ریاضتی نیز در بسیاری از کشورها جریان دارد. شیوع ویروس کرونا و تبعات اقتصادی ناشی از آن، اوضاع را بدتر کرده است. در حال حاضر، علاوه بر بحران‌های زیربنایی حاکم بر اقتصاد جهانی که اتفاقا معلول بحران‌سازی‌های مزمن امنیتی، اجتماعی و اقتصادی غرب در سطح نظام بین‌الملل است، شاهد شرایط سخت ناشی از شیوع پاندمی نیز هستیم. مقامات آمریکایی به صورت علنی یا غیراعلامی، چندجانبه‌گرایی مدنظر سازمان تجارت جهانی را زیر سؤال برده و قوانین تجارت بین‌الملل را با اقدامات یک‌جانبه گرایانه خود نقض می‌کنند. در شرایطی که آمریکا و بیشتر بازیگران اروپایی به مثابه بازیگران بحران‌ساز در نظام بین‌الملل، مسؤولیت تشدید بحران را در دنیای امروز به عهده دارند، اساسا فرصت و بستری برای همگرایی جهانی بر سر مواجهه با بحران‌های اقتصادی جمعی وجود ندارد. معضلات و آسیب‌های اقتصادی جاری، شامل دوآسیب زیربنایی (ساختاری) و روبنایی بوده و غرب به طور قطع زیربار حداقلی‌ترین مسؤولیت خود در قبال مواجهه با این بحران‌های خودساخته نخواهد رفت.

تمرکز بر ریشه‌های بحران، ممنوع

یکی دیگر از موضوعاتی که به ناکارآمدی اجلاس داووس منجر شده است، مربوط به تمرکز نداشتن عامدانه برگزارکنندگان و اکثر سخنرانان این اجلاس بر ریشه‌های وقوع بحران‌های اقتصادی در جهان برمی‌گردد. این سانسور هدفمند، سبب شده تا راهکارها بدون توجه به ریشه‌ها و علت‌ها مورد توجه قرار گیرند و در نتیجه، کارآیی خود را به صورت مطلق از دست بدهند. نکته دیگر این‌که مناسبات پشت پرده امنیتی و سیاسی موجود میان بازیگران غربی بر مناسبات اقتصادی آنها سایه افکنده است. نمونه بارز این مسأله را در بحبوحه جنگ اوکراین مشاهده می‌کنیم، جایی که واشنگتن و لندن سعی دارند با اتخاذ راهکارهای سلبی، دیگر اعضای ناتو را وادار به قطع مناسبات اقتصادی با روسیه کنند. این واگرایی روز به روز در غرب تشدید می‌شود. آنچه مسلم است این‌که به جز عکس‌های یادگاری و حواشی خبری جالب توجهی که در اجلاس داووس شاهد آن بودیم، این نشست پرهزینه خروجی قابل توجهی در راستای حل بحران‌های اقتصادی موجود در جهان امروز ندارد. بی‌شک تا زمانی که معضلات زیربنایی موجود در پروسه تصمیم سازی جمعی در جهان حل و فصل نشود، این ناکامی به قوت خود باقی خواهد ماند.

مکث

وحشت آمریکا در خصوص آینده دلار

بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا تصمیم گرفت سلطه دلار را بر نظام بین‌الملل تحکیم و تثبیت کند و آمریکا از آن زمان تاکنون بر این مبنا عمل کرده است. متحدان آمریکا نیز در این روند با واشنگتن همراه شدند. در این میان واشنگتن نگران است هم‌افزایی کشورهایی که مورد تحریم یا ظلم آمریکا قرار گرفته‌اند، می‌تواند سلطه دلار را از بین ببرد. بر اساس آمار، بین ۳۱ تا ۳۳ کشور، تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند. هرکدام از این کشورها ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی دارند که باید تجمیع و درون یک ساختار کلان هدایت شوند.

اگر هم‌افزایی کشورهای تحت تحریم آمریکا به صورت جمعی صورت گیرد، زمینه در هم شکستن تحریم‌های آمریکا وجود دارد. کشورهایی که مورد تحریم آمریکا هستند، می‌توانند با هم‌افزایی در جهت بهره‌مندی از ظرفیت‌های دوجانبه به مقابله با تحریم بپردازند. بدیهی است که در چنین شرایطی کشورهای دیگر نیز تمایل بیشتری در خصوص عبور از دلار خواهند داشت. کشورهایی که مورد تحریم آمریکا قرار دارند نسبت به تشکیل یک اتحادیه مشترک احساس واقعی دارند و زمینه آن نیز وجود دارد، زیرا خیلی از کشورها مانند چین، روسیه، لبنان و کشورهای آمریکای لاتین به این نتیجه رسیده‌اند که ظرفیت‌های دورزدن تحریم را در قالب یک تلاش جمعی فعال کنند.

ذره‌بین

تغییر در استرالیا پس از یک دهه قدرت محافظه‌کاران

نتایج انتخابات استرالیا از پیروزی حزب کارگر و شکست محافظه‌کاران پس از حدود یک دهه در اختیار داشتن قدرت در این کشور خبر می‌دهد.
اسکات موریسون، نخست‌وزیر استرالیا در پیامی به آنتونی آلبانیز، رهبر حزب کارگر با پذیرش شکست حزب خود، انتخاب او را به عنوان نخست‌وزیر آینده این کشور تبریک گفت.
به گزارش اسکای‌نیوز، اعلام نتایج نهایی ممکن است مدتی طول بکشد، زیرا شمارش آرای پستی به‌تازگی کامل شده است.
موریسون با اعتراف به شکست، طی سخنانی در شهر سیدنی گفت: «من با رهبر مخالفان و نخست‌وزیر آینده، آنتونی آلبانیز صحبت کردم و پیروزی وی در انتخابات را تبریک گفتم.»
موریسون همچنین گفت که از رهبری حزب لیبرال کناره‌گیری خواهد کرد. وی نزدیک به یک دهه در راس حزب محافظه‌کار بود.

آلبانیز که یکی از باسابقه‌ترین سیاستمداران این کشور است، برای کنار زدن دولت ائتلافی لیبرال-ملی که از سال ۲۰۱۳ در قدرت بود، به رای‌دهندگان وعده تغییرات بی‌خطر داده است.
در حالی که اسکات موریسون، نخست‌وزیر بازنده در این انتخابات، خود را بولدوزر توصیف می‌کرد، آقای آلبانیز وعده داده که سازنده باشد.
پس از همه‌گیری کرونا که ایالت‌های استرالیا و شهرها به دلیل قرنطینه‌های شدید از هم جدا افتاده بودند، تقویت وحدت، اولویت اصلی رهبر جدید این کشور عنوان شده است.
آلبانیز که در میان هوادارانش به آلبو یا آلبا معروف است، به عنوان مدافع سیستم خدمات درمانی رایگان استرالیا، جمهوریخواه و طرفدار پرو پاقرص لیگ راگبی شهرت دارد.
این سیاستمدار ۵۹ ساله در خانه‌هایی که دولت در اختیار خانواده‌های کم‌درآمد قرار می‌داد، بزرگ شده و مادرش به تنهایی و با مقرری افراد دارای معلولیت او را بزرگ کرده است.
او ۲۵ سال سابقه نمایندگی پارلمان را در کارنامه دارد و از سه‌سال پیش رهبر حزب کارگر شده است. او از دهه ۲۰ سالگی یکی از اعضای ثابت حزب کارگر استرالیا بوده است.
آلبانیز در سال ۱۹۹۶، در حالی که ۳۳ ساله بود به عنوان نماینده سیدنی وارد پارلمان استرالیا شد؛ پیش از آن هم در مشاغل دولتی و ایالتی کار می‌کرد.

نگاه

خط و نشان‌های هسته‌ای به کجا ختم می‌شود؟

در حالی که تا چند ماه قبل، کشورهای دارنده بمب اتمی بیشتر در عرصه آزمایش‌های هسته‌ای قدرت خود را به رخ یکدیگر می‌کشیدند و کمتر شاهد تهدید آشکار هسته‌ای یک‌کشور از سوی کشور دیگر بودیم، این روزها شرایط تغییر کرده و خط و نشان کشیدن هسته‌ای به ادبیات رایج در میان مقامات کشورهای دارای بمب تبدیل شده است.
این تهدیدات لفظی در حالی است که حتی در دوران جنگ سرد هم مشابه آن چندان از سوی رهبران کشورها شنیده نمی‌شد؛ آن هم در زمانی که زرادخانه‌های هسته‌ای شوروی و ایالات متحده آمریکا، بسیار بزرگ‌تر بودند و خطری به مراتب بزرگ‌تر برای جهان به شمار می‌رفتند.
در تازه‌ترین اتفاق در این زمینه و در حالی که چند هفته قبل، مقامات آمریکایی در اظهارات خود تهدیدات هسته‌ای مسکو را غیرمسوولانه می‌خواندند، اکنون رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه مشترکی که با رئیس‌جمهور کره جنوبی صادر کرده، می‌گوید واشنگتن در صورت لزوم با سلاح اتمی از سئول دفاع خواهد کرد.
چندی قبل جان کربی، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا در واکنش به تهدیدات هسته‌ای مسکو در جریان جنگ اوکراین گفته بود تهدید به احتمال استفاده از سلاح‌های اتمی، غیرمسؤولانه است. اشاره جان کربی به دستور ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه بود که چند هفته قبل به مقام‌های ارشد دفاعی و نظامی خود اعلام کرد نیروهای بازدارنده هسته‌ای در وضعیت آماده‌باش قرار گیرند.
این تهدیدات در حالی صورت می‌گیرد که کمتر از یک سال پیش، پوتین و بایدن در نشست ژنو بیانیه‌ای صادر کردند و به نظر می‌رسید طرفین با یکدیگر هم‌نظرند که تهدید جنگ هسته‌ای یادگاری از دوران جنگ سرد است، در آن برنده‌ای وجود ندارد و هرگز هم نباید چنین جنگی آغاز شود.

ترجمه

چرا امارات و عربستان در ماجرای اوکراین با آمریکا همراه نیستند؟

فاصله‌گیری محتاطانه از شریک قدیمی

این روزها در حالی گمانه‌زنی‌هایی درباره سفر قریب‌الوقوع جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا به ریاض منتشر شده است که از زمان شروع جنگ اوکراین و حتی چند هفته قبل از آن، عربستان و برخی دیگر از متحدان آمریکا در خلیج فارس که همواره سیاست‌های خود را وابسته به نظر واشنگتن تنظیم می‌کردند بر سر دوراهی گیر کرده‌اند و به نوعی سردرگمی دچار شده‌اند که میان آمریکا و روسیه، کدام طرف را انتخاب کنند.

در این میان، خبرهایی که منتشر شده حاکی از است که این کشورها ـ که قبلا مجری بی‌چون وچرای دستورات آمریکا بوده‌اند ـ در این ایام فرصتی یافته‌اند تا در مقابل خدمات خود خواسته‌هایی را نیز مطرح کنند. رفتار متفاوت کشورهایی چون عربستان و امارات تا جایی پیش رفت که حتی چندی قبل وال استریت ژورنال، از امتناع رهبران دو کشور عربی برای برقراری ارتباط تلفنی با رئیس‌جمهور آمریکا درباره تحولات اوکراین و احتمال افزایش تولید نفت خبر داد.
این روزنامه آمریکایی به نقل از مقام‌های خاورمیانه و ایالات متحده نوشت کاخ سفید برای تماس تلفنی بین بایدن و رهبران عربستان سعودی و امارات تلاش کرد اما بیهوده بود، حال آن‌که آمریکا برای ایجاد حمایت بین‌المللی از اوکراین و مهار افزایش قیمت نفت به دنبال کسب حمایت بین‌المللی است.
این منابع گفتند محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان و محمد بن زاید آل نهیان، که به تازگی به ریاست امارات متحده عربی رسیده در هفته‌های اخیر درخواست‌های آمریکا را برای صحبت با بایدن رد کرده‌اند و مقام‌های سعودی و اماراتی در هفته‌های اخیر انتقادهای خود را از سیاست‌های آمریکا در خلیج فارس با صراحت بیشتری بیان کرده‌اند. یک مقام آمریکایی با اشاره به این‌که انتظاراتی برای این تماس تلفنی وجود داشت اما عملی نشد، گفت موضوع این تماس‌ها نفت بوده است. این روزنامه آمریکایی گزارش کرده است این دوپادشاهی می‌گویند تا زمانی که واشنگتن از آنها در یمن یا مناطق دیگر حمایت نکند، به کاهش قیمت نفت کمکی نمی‌کنند.

رأی ممتنع امارات در شورای امنیت

این اخبار در حالی منتشر می‌شود که در همان اوایل بحران اوکراین و در جلسه شورای امنیت که برای رأی‌گیری قطعنامه آمریکا در محکومیت تهاجم روسیه به اوکراین برگزار شد، امارات به این قطعنامه رأی ممتنع داد.
یک روز قبل از رأی‌گیری شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد این قطعنامه، واشنگتن با مقامات امارات که یکی از مهم‌ترین شرکای عرب آمریکاست، تماس گرفت تا حمایت آنها را علیه پوتین، رئیس‌جمهور روسیه جلب کند.
امارات متحده عربی در حال حاضر یکی از اعضای غیردائم شورای امنیت است و آنتونی بلینکن، وزیر خارجه ایالات متحده با همتای اماراتی خود، شیخ عبدا... بن زاید آل نهیان تماس گرفت تا بر اهمیت ایجاد یک پاسخ بین‌المللی قوی برای حمایت از حاکمیت اوکراین تاکید کند. اما هنگامی که نوبت به رأی‌گیری در جلسه شورای امنیت رسید، امارات متحده عربی درخواست‌های واشنگتن را نادیده گرفت و در عوض به چین و هند پیوست تا با دادن رأی ممتنع به قطعنامه آمریکا، نشان دهد از سیاست‌های ایالات متحده ناامید شده است.
این در حالی است که طی چند دهه گذشته، امارات و عربستان سعودی همواره مجری دستورات آمریکا بوده‌اند اما تحولات اخیر نشان می‌دهد آنها چگونه از سیاست‌های آمریکا ناامید شده‌اند.
خیلی دیگر از کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز که برای دهه‌ها آمریکا را ضامن امنیت خود می‌دانستند در خصوص بحران اوکراین سکوت کرده و از موضع‌گیری شفاف در حمایت یا محکومیت طرفین درگیری خودداری کرده‌اند. این موضع بی‌طرفی، نشان‌دهنده این است که این کشورها به حفظ همکاری با مسکو در زمینه مسائل ژئوپلتیک و انرژی می‌اندیشند.

منبع: www.ft.com

تلاش کشورهای عربی برای نزدیک شدن به مسکو

با توجه به برخی اختلافات میان رهبران سعودی و آمریکا، ریاض سرمایه‌گذاری زیادی برای ایجاد روابط با مسکو انجام داده است و اوپک پلاس را به عنوان یک رابطه استراتژیک حیاتی در خصوص نفت که رگ حیاتی برای اقتصاد عربستان سعودی است می‌داند.
به‌ویژه این‌که روسیه ثابت کرده برخلاف سیاستمداران غربی که حافظه کوتاه مدتی دارند، دوستان و دشمنان خود را فراموش نمی‌کند و بر همین اساس، رهبران عربستان به‌شدت به توافق اوپک پلاس پایبند هستند. مسکو نیز در سال‌های اخیر حضور خود را در خاورمیانه عمیق‌تر کرده است. روسیه با مداخله نظامی در سال ۲۰۱۵ برای حمایت از حکومت اسد در تحولات سوریه نقش‌آفرینی کرد. همچنین اعضای گروه واگنر که گروهی وابسته به کرملین است به لیبی اعزام شدند تا در کنار نیروهای مورد حمایت امارات متحده عربی بجنگند. مسکو همچنین پیوندهای سیاسی خود را با قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران تقویت کرده است. روسیه مانند چین و دیگران در تلاش است تا خلأ ناشی از آمریکا را پر کند و روسیه در موقعیت مناسبی برای ایفای نقش بزرگ‌تر است.

نکته

اعتماد از دست رفته

حاشیه‌های ناشی از مسائل مرتبط با پرونده جمال خاشقچی، روزنامه‌نگاری که سال ۲۰۱۸ توسط عوامل سعودی کشته شد همچنان در روابط آمریکا و عربستان دیده می‌شود. بایدن در همین ارتباط با انتقاد از نقض حقوق بشر از گفت‌وگو با ولیعهد محمد بن سلمان که عملا حکومت عربستان را در اختیار دارد، امتناع کرده و این موضوع ریاض را آزار داده است.
عربستان سعودی که بیانیه‌ای درباره حمله روسیه به اوکراین صادر نکرده، همچنین منافع مشترک انرژی با مسکو دارد، زیرا آنها بازیگران اصلی اوپک پلاس هستند که روسیه در سال ۲۰۱۶ به آن پیوست. به‌رغم افزایش قیمت نفت به بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه، ریاض در برابر فشار آمریکا برای پمپاژ بیشتر نفت مقاومت کرده و تحلیلگران معتقدند افزایش عرضه تفاوت چندانی ایجاد نخواهد کرد.
بر اساس بیانیه اخیر عربستان، محمد بن سلمان در تماس تلفنی با مکرون، رئیس جمهور فرانسه گفته پادشاهی عربستان به اوپک پلاس متعهد است.
علی شهابی، تحلیلگر سعودی می‌گوید در سال‌های گذشته سیگنال‌ها و اقدامات متعددی از سوی آمریکا ارسال شده که نشان می‌دهد اتحادش با پادشاهی عربستان، دیگر آن رابطه‌ای نیست که ریاض بتواند به آن تکیه کند.
امارات متحده عربی و عربستان سعودی بر این باورند که دولت‌های متوالی آمریکا در سال‌های اخیر از خاورمیانه فاصله گرفته‌اند. از زمانی که باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در جریان خیزش‌های مردمی سال ۲۰۱۱ و زمانی که توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران را امضا کرد به درخواست‌های شرکای بلندمدت عرب خود توجهی نکرد آنها به طور خصوصی نارضایتی خود را از سیاست‌های ایالات متحده ابراز کردند. اختلافات آمریکا و متحدانش در منطقه به همین مسائل محدود نیست. چند ماه قبل بود که امارات اعلام کرد مذاکرات با موضوع قرارداد ۲۳ میلیارد دلاری خرید جنگنده‌های اف ۳۵، پهپادهای ریپر و سایر تجهیزات نظامی پیشرفته ساخت آمریکا را به حالت تعلیق درآورده است.